

نمای دور

پدر به روایت پسر

● حسن خمینی در اوایل دهه ۸۰ هم در برخی از سخنرانی‌ها و گفت‌وگوها به برخی اتهامات درباره نقش پدر مرحوم خود در تصمیماتی که برای انقلاب گرفته شده، پاسخ می‌دهد. روزنامه رسالت به تاریخ ۲۳ اسفند سال ۸۰ از زسان سیدحسن خمینی، می‌نویسد: «شاید به ذهن گروھی برسد که ما بیابیم و بگوئیم امام سال ۶۵ فوت کرده و این سه سال آخر عمر بر سر کار نبوده و شخص دیگری آن را اداره می‌کرد و کسی را که کاندید کردند مرحوم یادگار امام بود». او سپس با اشاره به نامه امام‌خمینی به مرحوم احمد آقا می‌گوید: «پسرم آماده باش که بعد از من بر تو قفاها شود». برداشت اصلی این است که کسانی نمی‌توانند مرا اذیت کنند، همه‌چیز را بر گردن تو می‌اندازند که معتمد این تحلیل به نتیجه نمی‌رسد که علت آن قرب زمانی ما به حاج‌احمد و امام خمینی است. به نظر من این سعادت است که امام و فرزندی پیدا کرده‌اند. نباید با نگاه تلخ به موضوع نگرست. اینکه کسی هم در زندگی و هم در مرگ سیر بلای امام شود، کم توفیقی نیست. بعد از مرگ هم سیر بلا و عصای دست اندیشه امام شود که توفیق بزرگی است». سیدحسن خمینی یک بار هم در اسفند سال ۸۲ در گفت‌ووبی که با شماره هجدهم فصل‌نامه حضور انجام داده، درباره نقش پدر مرحوم خود می‌گوید: «...در مقطعی از تاریخ انقلاب تمام احوال و احکامی که از امام به بیرون صادر می‌شود، از ناحیه ایشان است... به هیچ عنوان نظری از خود ابراز نمی‌کند... ما که جزء خانواده ایشان هستیم، می‌بینیم کمتر جایی دیده شده که ایشان نظری را ابراز کنند که مخالف نظر امام باشد. حتی در بیان یک واقعه وقتی به یک مسئله‌ای می‌رسید می‌گفت نظر امام این است. دیگر هیچ صحبتی نمی‌کرد. هیچ بالاوباین نمی‌کرد که بلی من موافقم یا مخالفم، گویی نظر، نظر خود ایشان است و حال اینکه کسانی که با ایشان ارتباط داشتند، می‌دانند ایشان آدم بسیار دقیقی بوده است. بسیار خوب مسائل را می‌سنجاخته است، می‌توانسته خوب، زوایای پنهان مسائل را دربیاورد و در مورد آنها از خودش عقیده داشته باشد. ولی این مسئله را به‌هیچ‌عنوان ابراز نمی‌کرده و جز او و امام هیچ کسی در این مسئله آگاه نبوده است که کدام عقاید مال او و کدام عقاید مال امام است. ما این امور را در بستر تاریخ که مرور نکنیم آن وقت بعضی از کسانی که تاریخ‌نگار هستند، مطلب را خوب بتوانند بیان کنند، می‌توانند بگویند کدام مسئله مال امام بوده و کدام مسئله از ناحیه حاج احمد آقا مطرح شده و امام پذیرفته است و کدام مسئله را حاج احمد آقا گفته و امام پذیرفته و اندیشه خود را پی گرفته و عنوان کرده است و...»

ادامه از صفحه اول

روان‌شناسی، غایب‌بزرگ بحران‌های ایرانی

روان‌شناسان کجا هستند؟ در کلینیک‌هایشان نشسته‌اند تا اگر یکی از این بازماندگان نتوانست به‌طور طبیعی با ماجرای اردبست‌دادن ناگهانی عزیزش در مراسم حج امسال کنار بیاید و پولش را داشت و حوصله‌ای برای درمان و البته اعتقادی به درمان روان‌شناختی، نرد آنها برود تا از کمک روان‌شناسی استفاده کند. وگرنه باید در زندگی خود بسوزد و بسازد و البته به مهره‌های پرشمار دودمیوی غم در جامعه افزوده شود.
بهیاد دارم چند سال پیش که یکی از استادان روان‌شناسی بحران یکی از دانشگاه‌های آمریکا برای شرکت در همایشی در ایران، به کشورمان سفر کرده بود، در حاشیه آن همایش کارگاری‌ها با همین عنوان برای روان‌شناسان برگزار کرد و از نقش خود در مقام ستون اصلی بحران‌های آمریکایی سخن گفت، اما در ایرانی که در منطقه بحران‌زدهی خاورمیانه قرار دارد و بحران هم در آن کم نیست، روان‌شناسان کجای ماجرا قرار دارند؟ روان‌شناسی در بحران، فقط به درمان بازماندگان نمی‌پردازد؛ این روان‌شناسی، با پیش‌بینی وقوع احتمالی بحران، وظیفه تجهیز روان‌شناسان حاضران در آن بحران را بر عهده دارد. کاری که روان‌شناسی می‌توانست برای ترازوی حج امسال انجام دهد، تجهیز کارگزاران حج و حجابان و همه آتیهایی که به‌نوعی با این مراسم در ارتباط، با مهارت‌های روان‌شناختی بود. اگر چنین می‌شد، ممکن بود ترازوی امسال، هم قربانی کمتری داشته باشد و ما فقط به شعار بسنده خواهیم کرد تا می‌کردند. نکویم باید از کجا چنین حاده‌ای را پیش‌بینی می‌کردیم؟ هر مراسم انسانی‌ای که در یک منطقه با تراکم حدود یک‌وونیم میلیون نفر انجام‌شود، به مجهزبودن حاضران به مهارت‌های روان‌شناختی نیاز دارد، اما ما مردم پجران‌دیده‌ای هستیم که به بحران عادت کرده‌ایم. تمام مه‌مت‌مان برای مواجهه با این بحران‌ها، غرزدن است که گویی تمامی ندارد. فجاج اتفاق می‌افتند و ترازدی‌ها رقم می‌خورند؛ این بشر است که سال‌ها تجربه کرده است و به علم اعتماد کرده و از آن برای گذر از بحران‌ها استفاده می‌کند. تا زمانی که در ایران، علم روان‌شناسی را علمی برای گذر از بحران‌ها ندانند، بحران‌ها به وقوع می‌پیوندند و ما فقط به شعار بسنده خواهیم کرد تا باز بحرانی دیگر برسد و بر تعداد بازماندگان بحران‌ها اضافه شود و غمی بر غم‌های انباشته‌شده دیروز افزوده شود. بعید نیست که این‌گونه، شادی به‌کلی از این جامعه رخت بریندد. چنین میاد. پس روان‌شناسی را درباریم.

ادامه از صفحه ۶

به مناسبت درگذشت مرحوم احمد خمینی، سیدحسن خمینی در آن گفت‌وگو که با عنوان «امام، مراد و محبوب پدرم بود» درباره پدرش می‌گوید: «کسانی که با ایشان ارتباط داشتند، به‌راحتی شهادت می‌دهند که موضع ایشان در قبال مسائل سیاسی و رفاقت قابل تفکیک بود؛ یعنی اگر با کسی رفاقت داشت، آن رفاقت را حفظ می‌کرد، ولو اینکه اختلاف عقیده سیاسی هم با آن طرف داشت. متأسفانه در خیلی‌ها این اخلاق وجود ندارد. اسم نمی‌خواهم ببرم. کسی بود که صحبتی کرده بود و دقیقا نقطه مقابل عقیده سیاسی ایشان راجع به ارتباط با یکی از کشورها را مطرح کرده بود. یادم هست که ایشان بسیار عصبانی بودند، چون عقیده آن فرد نقطه مقابل عقیده امام هم بود. آن فرد از کسانی بود که جسته و گریخته با دفتر ارتباط داشت و رفت‌وآمد می‌کرد. مدتی گذشت. آن فرد به خیال اینکه حاج‌احمدآقا با او قهر کرده‌اند یا او را نخواهند پذیرفت، تا مدتی به دفتر نیامد. یادم هست پدرم پیغام فرستادن که به آن آقا بگوئید ما به هم اختلاف عقیده داریم، اما رفاقتمان سر جایش است. خب این نکته زیبایی است که می‌تواند در زندگی باشد.»

اولین مراسم ارتحال با سخنرانی سیدحسن

مراسم اربعین مرحوم احمد خمینی با حضور مقام معظم رهبری در حرم امام برگزار می‌شود. حسن خمینی در این مراسم می‌گوید: «یادگار امام زیباترین واژه‌ای است که برای مرحوم پدرم به کار برده شده و از اعماق جان مردم برخاسته است». او همچنین نامه‌ای از امام خطاب به احمد خمینی را قرائت کرد. امام در این نامه این نکته را مورد اشاره قرار داده بود که دشمنان انقلاب تلاش خواهند کرد انتقام خود را از یادگارش با حربه تهمت بگیرند. به نوشته همشهری، او می‌گوید: «در این نامه حضرت اسام تاکید کرده بودند که سیداحمد خمینی از ول و از پیش از انقلاب اسلامی، رفتاری پیوسته در مسیر انقلاب داشته و همگام با انقلاب و پشتیبان انقلاب بوده است». او ادامه می‌دهد: «در مراسم چهلمین روز ارتحال یادگار امام بار دیگر پیامی می‌بنیدم که لحظه‌ای در دفاع از اسلام و مسلمین و حمایت از رهبری معظم انقلاب اسلامی، رئیس‌جمهوری و مسئولان نظام دست برنداریم».

تنفیذ تولیت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

اوایل اردیبهشت همان سال، روزنامه اطلاعات به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی درباره تنفیذ تولیت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام و حرم امام، می‌نویسد. سید حسن خمینی در یک نامه خطاب به مقام معظم رهبری از ایشان می‌خواهد تا وصیت مرحوم احمدآقا را تنفیذ کند. در بخشی از نامه سیدحسن خمینی به مقام معظم رهبری آمده است: «همان‌گونه که مستحضرید، اینجانب به واسطه وصیت پدرم به‌عنوان تولیت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام و حرم مطهر حضرتش منصوب گشتمد و لیکن از آنجا که اعتبار همه امور را به فدای امام راحل به مقام شامخ ولایت می‌دانم... لذا از محضر مبارک حضرتعالی تقاضا می‌کنم در صورت صلاحدید، وصیت آن عزیز سفرکرده را تنفیذ فرمایید. فرزند کوچک شما، سیدحسن خمینی». مقام معظم رهبری هم در پاسخ به این نامه چنین جواب می‌دهند: «با طلب رحمت و مغفرت برای پدر گرامی شما و برادر عزیز ما مرحوم حجت‌الاسلام‌المسلمین آقای حاج‌سیداحمدآقا طب ثراه، وصیت مزبور را تنفیذ می‌کنم و توفیقات الهی را برای شما صمیمانه مسئلت می‌نمایم. والسلام علیکم سیدعلی خامنه‌ای ۷۴/۲/۲».

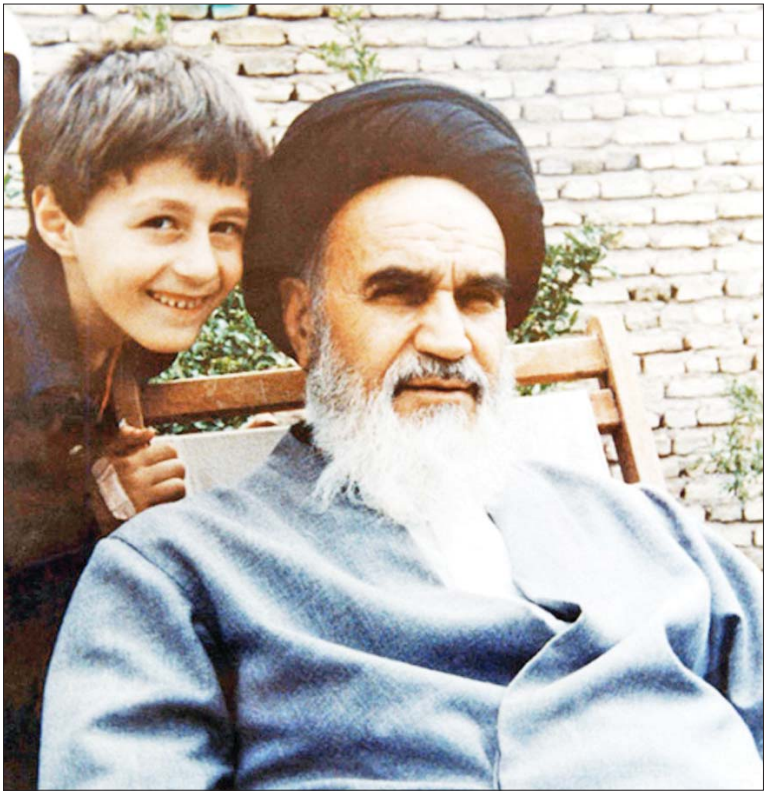
دعوت به مدارا در دوره اصلاحات

در سال‌های دهه ۷۰ شمسی که مصادف است با حضور سیاسی و رسانه‌ای سیدحسن خمینی، مقطع حساسی از تاریخ انقلاب اسلامی هم به نام دوم خرداد خمینی در این سال‌ها به فراخور دیدارهایی که داشته و سخنانی که در آن جلسات و دیدارها مطرح کرده، از انتخابات بحضور رهبر راجع آن روز در انتخابات به در آرایش فراخواند. او در این سال‌ها ضمن تجلیل همیشگی از مقام معظم رهبری، هم از رئیس‌جمهور حمایت می‌کند، هم از مقام رهبری و هم صراحتا و تلویحا از هاشمی‌رفسنجانی دفاع می‌کند. سیدحسن، سال ۷۶ را با بیانیهای آغاز می‌کند که در آن از مردم می‌خواهد که در انتخابات بحضور بهم رسانند. بعد از انتخابات هم در تاریخ پنجم خرداد سال ۷۶ در پیامی انتخاب خاتمی به‌عنوان رئیس‌جمهور را تبریک می‌گوید. سیدحسن خمینی در مصاحبه خود با روزنامه اطلاعات در سال ۷۷ درباره اختلافات سیاسی می‌گوید: «...هرکسی واقعا در این کشور امروز موظف است تحبیب قلوب کند. این مقدار بعد و فاصله‌ای در دین دوستان در ناحین به وجود آمده و موجب نوعی تفاوت‌های سلیقه‌ای شده، که البته این تفاوت‌ها هم خیلی مهم نیست، آنها را از مسائل اصلی و مهم قدری دور کرده است. مسئله این است که وضع جاری باعث سوءتفاهم‌هایی شده است. در حریم هر دو جناح هم طبعاً کسانی هستند که شاید به دلش ناخواهد بخواد اختلافات پیدا کند؛ همه کسانی که در حوزه درون نظام و در حوزه کسانی که دل به امام و اندیشه امام بسته‌اند، وظیفه دارند تحبیب کنند. فاصله را کم کنند. دکتورها را کم کنند. این حرفی است که همه می‌گویند. حرفی است که مقام رهبری می‌گویند. این چندان را دوری نیست و تا وصول آن روز سعی کردند تا به عناوین مختلف ازجمله سردادن شعارهایی چون «نواده روح‌الله سیدحسن نصرالله»، سخنرانی سیدحسن را برهم زنند. اگرچه مقام معظم رهبری در آن سخنرانی با بنوسای بر پیشانی سیدحسن از او دلجویی می‌کند.

استاد خمینی در کلاس درس

با وجود انتقاداتی که اصولگرایان در سال‌های دهه ۸۰ به سیدحسن خمینی داشتند، او آن سال‌ها در حال

سیاست



خمینی نسل سوم

«... اینجانب امروز در میان شما مردم عزیز یزد شهادت می‌دهم که با شناختی که از رهبری معظم انقلاب و ریاست محترم جمهوری دارم، مهم‌ترین شخصی که از رهبری و آرمان‌های امام عظیم‌الشان دفاع می‌کند، فرزند متدین و فاضل امام جناب آقای رئیس‌جمهور است. کوچک‌ترین زمینه اختلافی میان رهبری و ریاست محترم جمهوری وجود ندارد و این بزرگواران در مسیر تحقق آرمان‌های امام تلاش می‌کنند؛ کسانی که دچار تدروی و تحلیل‌های یک‌سویه می‌شوند، نسبت به رهبری، رئیس‌جمهوری، نظام و انقلاب ظلم می‌کنند».

در کسوت استادی

سیدحسن خمینی در سال‌های دهه ۷۰، هم‌زمان با تحصیل و تعلم علوم حوزوی در کسوت استاد نیز وارد شد و از سال ۱۳۷۰ درحالی‌که دو سال از ورود او به حوزه علمیه قم می‌گذشت، در مدرسه کرمانی‌ها تحصیل دروس مقدمات را شروع می‌کند. او در مدت هشت سال کتاب‌هایی نظیر: جامع‌المقدمات، سیوطی، مغنی اللیب و مختصرالمعانی، معالم، شرح لمعه و منطق مظفر را تدریس می‌کند و از سال ۱۳۷۹ به مدت ۱۰ سال به تدریس سطوح عالی می‌پردازد و کتاب‌هایی مانند رسائل، مکاسب مجرمة، بیع، خیارات و کلیاف را چند دوره تدریس می‌کند.

مواجهه با اصولگرایان تندرو

دهه ۸۰ را می‌توان بیشتر سال‌های انتقادهای تند و تیز اصولگرایان تندرو از حسن خمینی قلمداد کرد. اگرچه سید حسن در سال‌های منتهی به انتخابات سال ۸۴ از اعلام موضع خودداری کرده و می‌گوید که بنا دارم درباره انتخابات ریاست‌جمهوری صحبت نکنم و نسبت به جریانات سیاسی بی‌طرف باشم، اما بعد از اعلام پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات ۸۴، او به همراه تنی‌چند از مسئولان ارشد ستاد انتخاباتی خود، در حرم امام خمینی حاضر می‌شود. روزنامه مردم‌سالاری این‌خبر را در ششم تیرماه ۸۴ منتشر می‌کند و می‌نویسد: «سیدحسن خمینی نیز در این مراسم ضمن تبریک انتخاب مردمی احمدی‌نژاد در انتخابات نهمین دوره ریاست‌جمهوری، دقایقی را با وی به گفت‌وگو پرداخت».
باین‌حال، سیدحسن خمینی در سال‌هایی که دولت در اختیار اصولگرایان قرار داشت تنها مراسم سالگرد ارتحال امام را برگزار می‌کرد و احیای شب قدر را زنده نگه می‌داشت. سیدحسن خمینی البته پس از سال ۸۸ دیگر احيای نکرد. نقد و انتقاده‌ها به سیدحسن اما از سال ۸۶ شروع شد. شدیدترین نقدها که بازتاب آن در سایت «نوسازی» از رسانه‌های حامی احمدی‌نژاد بود. این سایت شیوه زندگی حسن خمینی را مورد شدیدترین انتقادات قرار داده بود. پس از آن آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی از پشت تریبون نماز جمعه دل‌آزردگی خود از اهانت به بیت امام (ره) را عیان می‌کند و نسبت به یگارفتن این جریان هشدار می‌دهد. فردای آن روز مجمع تشخیص صلحت نظام تشکیل جلسه می‌دهد. آیت‌الله توسلی رئیس دفتر اسام (ره) ازآزده به بیت امام رفته است در این جلسه از هاشمی‌رفسنجانی وقت می‌خواهد تا دقایقی سخنرانی کند و در حین سخنرانی به‌دلیل عارضه قلبی فوت می‌کند. مرگی که اصلاح‌طلبان آن را شهادت‌گونه خواندند. بعد از انتخابات ۸۸، زمانی که طبق عادت مالوف هیات دولت برای تجدید بیعت با آرمان‌های امام به حرم می‌رفتند، برخلاف عادت مالوف، این‌بار یادگار امام در مراسم استقبال احمدی‌نژاد و هیات همراهش حضور ندارد. تنها حمید انصاری برای ادای تشریفات در مراسم حضور می‌یابد. سیدحسن بعد از میان چهره‌های غایب مراسم روز تنفیذ دوره دوم ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد است. حسن خمینی البته بعدا اعلام می‌کند که علت غیبتش در آن روز تنها به‌خاطر سفر به پاکستان بوده است و علت دیگری نداشته است. سال ۸۹ و سالروز ارتحال امام، اما اوج این فشارها بود. گروه‌های تندرو در آن روز سعی کردند تا به عناوین مختلف ازجمله سردادن شعارهایی چون «نواده روح‌الله سیدحسن نصرالله»، سخنرانی سیدحسن را برهم زنند. اگرچه مقام معظم رهبری در آن سخنرانی با بنوسای بر پیشانی سیدحسن از او دلجویی می‌کند.

سیدحسن خمینی در دهه ۹۰
سیدحسن خمینی در سال‌های نخست دهه ۹۰ پرکارتر دیده شده است. حجم دیدارها و ملاقات‌ها و البته سخنرانی‌های یادگار امام افزایش داشته است که البته علت آن افزایش مراجعات به اوست. سیدحسن در یکی از مهم‌ترین مقاطع این دهه، زمانی که هاشمی‌رفسنجانی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۴ صلاحیتش احرار نمی‌شود، نامه مهمی را به هاشمی می‌نویسد که یادآور حمایت‌های او از هاشمی در دوران اصلاحات است. سیدحسن در بخشی از این نامه با بیان اینکه خبر عدم احراز صلاحیت هاشمی قلب دل‌بستگان امام و دوستاندارن مقام معظم رهبری را به درد آورده، چنین می‌نویسد: «این اقبال- که باید قدر آن را بدانید- اقبال به امام و ارزش‌های امام است... روزهای گذشته در میان زائران حرم امام، وقتی با اقبال بیش از ۹۰ درصد مردم نسبت به شما مواجه شدیم، بر خود لرزیدم و خدمت‌جناب‌عالی هم عرض کردم که ملجأً آمال یک ملت‌بودن و نقطه‌ کانونی امید ایشان‌شدن هم یک نعمت الهی است و هم یک وظیفه سخت را بر دوش شما قرار می‌دهد...».

در قامت آیت‌الله

سیدحسن خمینی از سال ۱۳۹۲ تاکنون در کنار درس خارج اصول به تدریس خارج فقه نیز مشغول شده‌اند که امسال (سال ۹۴) سومین سال برگزاری آن است. همچنین در این سال‌ها استاد در کنار درس‌های عمومی، درس خصوصی نیز برگزار کرده که می‌توان به «مقدمه قیصری»، «طلب و اراده»، «قواعد فقهیه» و... اشاره کرد.

یادگار امام اما در سال‌های اخیر علاوه بر تدریس فقه، اصول، فلسفه و عرفان در حوزه‌های علمیه، به تدریس دانشجویان دکترا در دانشگاه‌های قم و تهران نیز مشغول بوده است. با توجه به اینکه او در شیوه ورود به بحث‌ها از روش‌های جدید استفاده کرده و چارچوب نوینی را برای ارائه مباحث انتخاب کرده، حاصل تدریس او در دانشگاه‌های مختلف، توسط

دانشجویان او در حال جمعیت و آماده‌سازی برای چاپ است. سیدحسن خمینی، در ایام تعطیلات حوزه‌های علمیه، سال‌هاست به فراگیری علوم مختلفی چون ادبیات، هندسه، ریاضیات، زبان انگلیسی، زبان عربی، تفسیر، فِرَق و مذاهب، تاریخ، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و... می‌پردازد. سیدحسن، در زمینه تحقیق و پژوهش نیز فعال بوده و در کنار مقاله‌های علمی -پژوهشی منتشرشده و در دست انتشار، تاکنون -کتاب‌هایی چون «فرهنگ جامع فِرَق اسلامی»، «مبانی فقهی تنظیم خانواده»، «مجموعه مقالات»، «آیین مسلمانان»، «دلیل راه»، «ده مقاله»، «گوهر معنا» و «الافادات و الاستفادات» که تقریرات درس خارج اصول او توسط سیدعلی خمینی بردارش است، را نیز در کارند، چهار تا از استاد خمینی، همچنین کتاب‌هایی در زمینه فقه، اصول، فلسفه، عرفان، تفسیر و فقه سیاسی که حاصل تحقیق، پژوهش و تدریس اوست، در حال آماده‌سازی برای انتشار است.

برنامه هفتگی در سال تحصیلی

سیدحسن خمینی در سال تحصیلی روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۱۱ صبح تا ۱۱، در دارالاشفای قم، خارج فقه و خارج اصول را تدریس می‌کند. روزهای شنبه تا سه‌شنبه هم بعد از نماز مغرب و عشا، مباحث فلسفه و عرفان را طرح می‌کند. این کلاس‌ها به صورت نیمه‌خصوصی بوده و با حدود ۵۰ یا ۵۰ نفر در دفتر قم برگزار می‌شود. او معمولاً شب‌ها برای آمادگی در کلاس‌های روز بعد چهار تا پنج ساعت با هم‌بحثان خود مباحثه می‌کند که معمولاً از ۹ و ۱۰ شب تا یک یا دو بعد از نیمه‌شب ادامه پیدا می‌کند. از جمله هم بحث‌های سیدحسن خمینی، حجت‌السلام مسیح بروجردی و علی راستی هستند. سیدحسن خمینی، ظهرهای چهارشنبه از قم به سمت تهران حرکت می‌کند تا کارهای مربوط به فلسفه و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام را انجام داده و به دیدارهای تهران برسد. او معمولاً اغلب شب‌های جمعه، نماز مغرب و عشای حرم امام را برپا می‌کند و شنبه‌شب هم مجدداً راهی قم می‌شود.

گسترش دایره فراتجاری

سیدحسن خمینی در این سال‌ها و در سخنانش ضمن اشاره‌های متعدد به روش و بینش امام در مسائل گوناگون، تاکید فراوانی هم بر اهمیت اخلاق و رعایت آن و مضرات از‌دست‌رفتن آن در جامعه داشته است. او در گفت‌وگوهایش کوشیده تا به سمت تخصصی‌شدن مصاحبه‌ها برود و از اظهارنظر درباره موضوعات سیاسی روز خودداری کند تا به سبب سوءتفکیک متهم نشود. او نیز حال از معی کس و هیچ جایگاهی ندارد بلکه گفته است، اگر هم نقدی داشته، آن را در قالب و صورتی کلی بیان کرده است. به‌نظر می‌رسد هر قدر که زمان گذشته، سیدحسن خمینی بر شعاع فراتجاری‌بودن خود افزوده است. نمونه‌های زیادی برای اثبات این جمله وجود دارد. اما برای نمونه می‌توان به دیدار محمود احمدی‌نژاد و سیدحسن خمینی بعد از پایان دوره ریاست‌جمهوری‌این اشاره کرد. احمدی‌نژاد تصمیم گرفت تا هدایای دوره ریاست‌جمهوری را به موزه حرم امام که در دست ساخت است، هدیه کند. به حرم رفت و ضمن بازدید از فضای جدید حرم، تصاویری از او در کنار احمدی‌نژاد مدل ثبت شد.

سیدحسن، اوقات فراغت خود را با تماشای فیلم‌های روز دنیا البته با زبان اصلی سپری می‌کند. شب‌ها قبل از خواب معمولاً فرصت مناسبی برای این کار است. یکی دیگر از برنامه‌های موردعلاقه سیدحسن پرداختن به ورزش کوه‌نوردی است. او اغلب در تابستان که کلاس‌های درس و بحث تعطیل است و البته وقت مفتی به‌کار گرفته‌شده می‌کند، تصاویر متعددی از کوه‌پیمایی سیدحسن همراه فرزندش و البته برخی از بستگان و دوستان آنها در فضای مجازی توسط سیداحمد منتشر شده است. نوه امام، به صورت روزانه یک ساعت در منزل پیاده‌روی می‌کند که در حین آن با مقاله‌ای می‌خواند یا دکری می‌گوید.

روحانی آنلاین

شاید یکی از ویژگی‌های سیدحسن خمینی آنلاین‌بودن او و اطلاعرش از اخبار باشد. او معمولاً اخبار را به صورت آنلاین یک‌بار قبل از تشکیل کلاس و یک‌بار هم بعد از پایان کلاس و در روز معمولاً هفت یا هشت‌بار مرور می‌کند. علاوه بر سایت چماران که اخبار مربوط به سیدحسن و دیگر حوزه‌ها را پوشش می‌دهد، نوه امام یک سایت شخصی هم دارد. هرچند همه‌چیز به سایت محدود نمی‌شود. چند صفحه هم به نام سیدحسن خمینی در فضای اینستاگرام وجود دارد. البته احمد، فرزند بزرگ سیدحسن، هم صفحه‌ای را در این فضا دارد که تصاویر متعددی را از پدرش در حین فعالیت‌های مختلف گذاشته است. این چهره نیز سوم خمینی است. مرد بلندقامتی که در عین جدیت و جذب به‌ارث‌برده از تبارش، همواره لبخندی بر لب دارد. با لحنی آرام و بیانی محکم. مردی که از ۴۰ سال عبور کرده و این سال‌ها را در کتابخانه به‌یادگارمانده از پدر، به درس و بحث می‌گذراند. دوستدار ادبیات و شعر است. گاهی شعر هم می‌گوید. اطلاعات زیادی درباره سینمای جهان دارد. صفحات فرهنگی روزنامه‌ها را هم دنبال می‌کند. درباره موضوعات سیاسی جنجال‌برانگیز نظراتش را نمی‌گوید و علنی نمی‌کند. این عبارات توصیف مردی است که یک‌بار از نزدیک با او به گفت‌وگو نشست‌ام؛ مردی که تلاش دارد تا بین حوزه و دانشگاه، بین سنت حوزوی و مدرنیته جهان خارج پیوندی برقرار کند. این، چهره نسل‌سومی است که فاصله‌اش را با مخاطبانش کم کرده تا آنها فرزندان‌ش را بشناسند. او را پشت لب‌تاپ یا در حال رانندگی یا کوه‌نوردی بدون عمامه‌ای یا عیالی ببیند؛ نسل‌سومی که می‌خواهد هرچه‌بیشتر به مخاطبان امروزی خود نزدیک شود، بی‌آنکه بخواد از سنت پدرانش عبور کند. سیدحسن، نسل سوم خمینی است.

یکشنبه ۵ مهر ۱۳۹۴

نمای نزدیک

یادگار جوان درآینه دیگران

● مدتی از فوت مرحوم حاج‌احمدآقا نگذشته است که روزنامه اطلاعات گزارشی را به قلم اوآرو ماچوردوم و با ترجمه حمیدرضا عطایی منتشر می‌کند. در این گزارش به قلم این نویسنده که قرار است کتابی درباره ترجمه اشعار امام‌خمینی منتشر کند، شرحی درباره حضور نزدیک به یک‌ساعته او در منزل امام خمینی و تجربه دیدارش با حسن خمینی می‌نویسد. این نویسنده اسپانیایی که ظاهراً با احمدآقا در زمانی که او در قید حیات بوده است هم دیدار داشته، درباره خاطره آن روزش چنین می‌نویسد: «ترتیب ملاقات در روز ۲۱ نوامبر در ساعت ۱۲ ظهر در خانه خانوادگی خمینی‌ها در جماران داده شد. در این دیدار، تشریفاتی وجود نداشت. آنچه بود صداقت بود و احترام در یک اتاق پذیرایی کوچک که در طبقه پایین قرار داشت... مثالی از حضرت امام که هنرمندانه نقاشی شده و در درون قابی چوبین با ابعاد حدود یک متر طول یکی از دیوارها نصب شده و به این می‌ماند که ریاست یکی از جلسات را بر عهده داشته باشد... این ملاقات کمی بیش از یک ساعت به طول انجامید و به‌ناگاه من با آمدن پزشک مخصوص از جانب ایشان غافلگیر شدم. ایشان که متوجه شده بودند پس از سفر من به خمین، وضعیت سلامت من، هم به واسطه خستگی راه و هم به سبب فرسودگی قلب بیمارم، قدری به‌هم‌ریخته بود. او را به حضور طلبیده بودند. دکتر بعد از معاینه اولیه ترتیب بستری‌شدن من را در بیمارستان جنب خانه داد و پس از گرفتن نوار قلب و سه ساعت مراقبت کم مرخص کردند... قلم به خاطر این توجهات گرم و دوستانه، منبسط شده بود...».

سفر به کوبا و عکس با فیدل

مردادماه سال ۸۰ سیدحسن خمینی سفری را به هاوانا، پایتخت کوبا، انجام می‌دهد که به روایت خبرگزاری جمهوری اسلامی و به نقل از سفیر وقت ایران در کوبا، مورد استقبال گسترده مقامات رسمی این کشور، ازجمله فیدل کاسترو، رئیس‌جمهور، رئیس مجلس و وزیر خارجه این کشور قرار می‌گیرد و در ضیافت شامی به همین مناسبت شرکت می‌کند. در این برنامه، رهبر کوبا به‌طور مفضل با سیدحسن خمینی گفت‌وگو کرده و سیدحسن هم یک جلد قرآن به همراه نهج‌البلاغه و وصیت‌نامه امام به زبان اسپانیایی به او هدیه می‌دهد. علاوه بر تصاویری که از سیدحسن در کنار فیدل منتشر شده، او در روز ملی کوبا در راهپیمایی‌ای که با حضور فیدل و به دلیل اعتراض مردم این کشور به دستگیری پنج کوبایی به اتهام جاسوسی برگزار شده، شرکت می‌کند. این خبر را روزنامه همشهری روز نهم مرداد ۸۰ به نقل از شبکه خبری ان بی سی آمریکا منتشر می‌کند.

سفر به آفریقای جنوبی

سیدحسن خمینی البته به روایت محمود دعایی و تصدیق جاوید قربان‌اوغلی سفری را هم برای یادگیری زبان به پایتخت آفریقای جنوبی، یعنی ژوهانسبورگ، انجام می‌دهد. قربان‌اوغلی در توضیح مصاحبه دعایی می‌گوید: این سفر به اطلاع مقام معظم رهبری رسیده و تمامی هزینه‌ها را شخصاً می‌پرداختند (کلاس، خرید مایحتاج روزانه زندگی).

سفر به برزیل

سیدحسن یک‌بار هم در سال جاری به برزیل سفر کرد. سفر را بعد از مراسم سالگرد ارتحال انجام داد. سفر به برزیل بنا به دعوت حجت‌الاسلام شیخ‌طالب خزرجی، مدیر مرکز اسلامی برزیل، بود. او در این سفر در مسجد محمد رسول‌الله(ص) سانوپائولو، برای علمای اهل تسنن و نمایندگان مسیحیان و کلیسای ارتدکس سخنرانی کرد.

سفرهای پرحاشیه داخلی

بعضی از سفرهای داخلی سیدحسن خمینی در یکی، دو سال گذشته با حواشی روبه‌رو بوده است. دانشگاه آیت‌الله بروجردی شهر بروجرد قرار بود میزبان سیدحسن خمینی باشد. این مراسم به علت فشار تندروها در اردیبهشت ۹۳ لغو شد؛ موضوعی که موج خبری گسترده‌ای را ایجاد کرد؛ به‌طوری‌که هم صدای نمایندگان مجلس بلند شد و هم کار به جایی رسید که فرماندار بروجرد از سمت خود عزل شد. سیدحسن در سال جاری هم در خبرها آمده بود تا سفری به گلستان داشته باشد که تندروهایی این شهر تهدیدات خود را در صفحات مجازی شروع کرده بودند، حسن خمینی اما این‌بار به این تهدیدات واکنش نشان داده و می‌گوید: «نمی‌دانستم این برنامه وجود دارد و قصد سفر هم نداشتم، اما اگر برنامه سفری بود، با چنین تهدیداتی سفرم را به‌هم نمی‌زدم و مطمئن هستم مردم و علاقه‌مندان امام به‌گونه‌ای هستند که این جریانات افراطی بسیار کم‌عدد را سر جای خود می‌نشانند». کمی بعد از آن البته سیدحسن در میان استقبال کلساتانی‌ها سفری را به این شهر انجام می‌دهد، تقریباً یک سال بعد از ماجرای بروجرد.

